

The Role of Verses Showing the Purposes of Sharia (*Maqāṣid al-Sharī'a*) in Assessing Narrations from the Perspective of Islamic Denominations

Mahdi Geramipour^{1*}

1- Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, Qom University, Qom, Iran.

Received Date: 2023/05/26

Accepted Date: 2023/08/21

Abstract

The Qur'an is the most important source of legislation in all Islamic denominations. Sunnah, i.e. the sayings, actions, and tacit approval of the Prophet Muhammad (pbuh) or the Infallibles (as), after the Qur'an, is considered also the most widely used source among all Islamic sects. A criterion that can play an important role in evaluating hadiths is considering the verses clarifying the general purposes of sharia (*maqāṣid al-sharī'a*). These verses do not explain divine rulings (*ahkām*), but rather explain the general goals of the sharia or express the wisdom behind the rulings. This article examines the role of these goals in evaluating hadiths, using the descriptive-analytical method. It studies and examines the functions of the verses clarifying the goals in relation to the extracted hadiths. Attention to the explicit Qur'anic verses which indicate the general goals can lead to new interpretations of such hadiths, so that without considering these goals, such outward meaning (*zuhūr*) would not be established. These Qur'anic verses have a significant impact on the understanding and interpretation, as well as the restriction and expansion of the hadiths. If they transgress the indisputable preferences (*murājijāt-i manṣūṣah*) they may function as one of the preferences of the contradiction issue (*bāb-i ta'arūḍ*). Eventually, recognizing these general goals can be considered as a criterion for assessing the soundness (*ṣiḥah*) of hadiths. In one of the stages of *ijtihād*, i.e. facing religious narratives, there is a significant discrepancy among contemporary Shi'ite researchers regarding the application of the *maqāṣid al-sharī'a*. The author intends to refer to the relevant legal and theoretical discussions to prove this point.

Keywords: contradiction of hadiths, understanding of hadith, preferences of contradiction, purposes of shari'ah (*maqāṣid al-sharī'a*)

نقش آیات مبین مقاصد شریعت در ارزیابی روایات از دیدگاه مذاهب اسلامی

مهدی گرامی پور^{۱*}

۱- استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

چکیده

قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع در تشریح احکام در همه مذاهب اسلامی است. از سوی دیگر سنت به معنای قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) یا معصوم (ع) بعد از قرآن به عنوان پرکاربردترین منبع در میان تمامی مذاهب اسلامی به‌شمار می‌رود. یکی از معیارهایی که می‌تواند در ارزیابی روایات نقش مهمی را ایفا کند آیات مبین مقاصد شریعت است. این آیات، مبین احکام الهی نبوده، بلکه به بیان اهداف کلی شریعت پرداخته و یا در مقام بیان حکمت احکام هستند. مقاله حاضر در صدد آن است که با رویکرد توصیفی - تحلیلی به نقش این مقاصد در ارزیابی روایات بپردازد. در این مقاله کارکردهای آیات مبین مقاصد در ارتباط با روایات استخراج شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. توجه به نصوص قرآنی مبین مقاصد می‌تواند موجب برداشت‌های جدیدی از روایات شود به طوری که بدون توجه به این مقاصد چنین ظهوری شکل نمی‌گرفت. این نصوص قرآنی در فهم، تفسیر، تضییق و توسعه روایات تأثیرگذار است و در صورت تعدی از مرجحات منصوصه می‌تواند به عنوان یکی از مرجحات باب تعارض قرار گیرد و در نهایت شناخت این مقاصد می‌تواند به عنوان معیاری برای سنجش صحت متن روایات قرار گیرد. در مورد کاربرد مقاصد شریعت در یکی از مراحل اجتهاد یعنی مواجهه با روایات، اختلاف شدیدی بین محققین معاصر امامیه وجود دارد. در مقاله حاضر تلاش بر آن است تا با ارجاع این بحث به مباحث معهود فقهی و اصولی به اثبات آن بپردازد.

واژگان کلیدی: تعارض روایات، فهم روایات، مرجحات باب تعارض، مقاصد شریعت.

۱. بیان مسئله

قرآن به عنوان مهم ترین منبع در تشریح احکام اسلامی در تمامی مذاهب فقهی است؛ چراکه آخرین وحی الهی است که برای راهنمایی انسان ها در همه ابعاد گوناگون زندگی نازل شده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء/۹). مصطفی احمد الزرقاء می گوید: «قرآن اصل در تشریح اسلامی است و اساس شریعت بر آن بنیان نهاده شده و اقامه عدل و احقاق حق بین مردم را با نصوص فراوانی واجب کرده است» (الزرقاء، ۱۹۶۸م، ۶۰/۱-۶۱). ابن قیم جوزیه معتقد است که قرآن علت بیش از هزار حکم شرعی را بیان کرده است (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۱ق، ۲۲/۲).

از طرف دیگر سنت به معنای قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) یا معصوم (ع) بعد از قرآن به عنوان پرکاربردترین منبع در میان تمامی مذاهب اسلامی است. سنت غالباً از طریق روایات (سنت قولی) به دست ما رسیده است و وجود احادیث جعلی در میان روایات امری انکارناپذیر است. از آنجا که بررسی سند حدیث با محدودیت هایی مواجه است که برخی از این محدودیت ها عبارتند از: وجود راویان فاسد المذهب در میراث حدیثی امامیه، کمی داده های تأثیرگذار در شناخت راویان پرتکرار، عدم تبیین مفاهیم واژه های توصیفی در کتب نخستین رجالی و... (حسینی، ۱۳۹۷، ۵۰-۸۶)؛ لذا بررسی متن در کنار سند می تواند نقش بسیار مهمی در ارزیابی روایات ایفا کند؛ و حتی در صورت صحت سند، در برخی مواقع حکم بطلان حدیث را به دنبال دارد. گاهی در کتب حدیثی با روایاتی مواجه می شویم که از حیث سندی معتبر بوده لکن مشتمل بر مفاهیمی است که براساس چارچوب شریعت اسلامی قابل پذیرش نمی باشد. یکی از معیارهایی که می تواند در ارزیابی متن روایات نقش مهمی را ایفا کند نصوص قرآنی مبین مقاصد است.

توجه به مقاصد شریعت به عنوان یک روش اجتهادی امروزه در جامعه علمی اهل سنت جایگاه ویژه ای یافته است و کتاب ها و مقالات بسیاری در این زمینه نگاشته شده است. در دوران معاصر آثار پژوهشی و مقالات بسیاری در زمینه مقاصد و کارکرد آن در فقه امامیه نگاشته شده است؛ اما تا جایی که نگارنده جستجو کرده است اثری که به صورت مشخص به تبیین نقش آیات مبین مقاصد شریعت در ارزیابی روایات در مذاهب اسلامی بپردازد، وجود ندارد. این پژوهش بر آن است که با روش کتابخانه ای و رویکرد توصیفی - تحلیلی با جستجو در عملکرد فقها و محدثین مذاهب اسلامی، نقش مقاصد قرآنی

را در بررسی و نقد متن روایات مورد توجه ویژه قرار دهد و امکان آنرا در ارزیابی روایات بررسی نماید. در مورد کاربرد مقاصد شریعت - مقاصدی که از قرآن استخراج می‌شود - در یکی از مراحل اجتهاد یعنی مواجهه با روایات، اختلاف شدیدی بین محققین معاصر امامیه وجود دارد. نویسنده قصد دارد با ارجاع این بحث به مباحث معهود فقهی و اصولی به اثبات آن بپردازد.

۲. مفهوم‌شناسی مقاصد

در ابتدا جهت تبیین بیشتر موضوع به مفهوم‌شناسی مقاصد پرداخته می‌شود.

۲-۱. معنای لغوی

مقاصد از حیث لغت جمع «مقصد» و مصدر میمی و از فعل قصد گرفته شده است. به این صورت که گفته می‌شود «قصد یقصد قصداً و مقصداً» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۵/۹۵). طبق احتمال دیگر «مقاصد»، جمع «مقصد» و اسم مکان به معنای محل قصد است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۲/۵۰۴). طبق این احتمال مقصد به معنای محل توجه و اقدام است و براین اساس مقاصد شارع یعنی محل‌هایی که شارع به آن توجه کرده است. به عبارت دیگر مقصد به معنای چیزی است که مورد توجه قرار گرفته و رسیدن به آن اراده شده است؛ بنابراین، مقاصد یا جمع مصدر میمی است که در این صورت به معنای قصد کردن یک چیز است یا جمع مقصد و اسم مکان است که به معنای محل توجه و هدف شارع است.

۲-۲. معنای اصطلاحی

فقها و اصولیان متقدم تعریفی از مقاصد ارائه نداده‌اند، همان‌طور که شاطبی که اولین کسی است که مقاصد را به صورت مستقل بررسی کرده، تعریفی از آن ارائه نداده است؛ اما ابن عاشور به‌عنوان دومین کسی که در موضوع مقاصد به تألیف پرداخته است در تعریف مقاصد می‌گوید: مقاصد عامه تشریح، معانی و حکمت‌هایی است که توسط شارع در جمیع احوال تشریح یا معظم آن لحاظ شده است (ابن عاشور، ۱۳۶۶ق، ۱۷۱). در واقع می‌توان گفت که مقاصد شارع اهداف و غایاتی است که شارع در تشریح خود، آنها را لحاظ کرده و اساساً احکام شرعی برای تحقق این غایات وضع شده است.

در یک تقسیم‌بندی نصوص حوزه احکام را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: قسم اول نصوص مبین احکام است که به‌عنوان سند حکم شرعی قرار می‌گیرند و متکفل استنباط در تفسیر این نصوص، عرف عام بوده و در دلالت این نصوص بر معنا و مراد شارع، ظهور کافی بوده و مطابق نظر مشهور، ظن نوعی بر مراد شارع کفایت می‌کند. مانند: «تَمَّ أَتَمُوا الصَّيَّامَ إِلَى اللَّيْلِ» (بقره/۱۸۷)، «لَذَكَرٍ مِثْلُ حَطِّ الْأَتْنِينِ»

(نساء/۱۷۶). قسم دوم نصوص مبین مقاصد است. مقصود از نصوص مبین مقاصد، آیات قرآن و یا روایاتی است که مبین حکم و قانون الهی نیستند بلکه اهداف کلی شریعت یا حکمت حکمی را بیان می‌کند. مانند: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده/۸)، «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ» (بقره/۲۱). این قسم بر خلاف قسم قبلی به دلیل ابهامی که دارد نمی‌تواند به‌عنوان سند حکم شرعی قرار گیرد و مراجع صالح برای تفسیر آن خود شارع است و برای دستیابی به مراد شارع، ظن نوعی کافی نبوده، بلکه معیار حجیت این قسم، قطع به مراد شارع است (علیدوست، ۱۳۸۸ش، ۵۹۰-۵۹۱). البته باید توجه داشت که عقل هم در مواردی قدرت تشخیص مصادیق عدالت را دارد. در نسبت بین این دو قسم از نصوص باید گفت که مقاصد و نصوص مبین آن، نوعاً از قبیل اهداف و نصوص مبین احکام از قبیل برنامه است و ما در مقام استنباط باید به سراغ برنامه‌ها برویم لکن باید اهداف نیز مورد نظر بوده و بر آنها نظارت داشته باشد؛ لذا مفاد نصوص مبین مقاصد بر مفاد نصوص مبین حکم مقدم است.

۳. تاریخچه استفاده از مقاصد آیات

اهل سنت معتقدند که استمداد از مقاصد در استنباط به زمان صحابه برمی‌گردد؛ زیرا صحابه در برخورد با مسائل مستحدثه در صورت نیاز به اعمال نظر می‌پرداختند و از مقاصد شریعت در این زمینه بهره می‌بردند. احمد بن حنبل می‌گوید صحابه در عامه مسائل به نصوص احتجاج می‌کردند کما این‌که این طریقه در میان آنان مشهور بوده است و همچنین آنها اجتهاد به رأی کرده و به قیاس نیز احتجاج می‌کردند. عمل به رأی و قیاس از قبیل عمل به مقاصد شمرده می‌شود و از باب فهم مراد شارع است (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ۱۵۴/۱۹؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۳۲۶/۶). در مورد تمسک صحابه به رأی و مقاصد شارع مثال‌های فراوانی ذکر شده است، به‌عنوان مثال هنگامی که برخی از مسلمانان از ادای زکات به ابوبکر امتناع کردند، عده‌ای از جنگیدن با آنها امتناع کردند با استناد به قول پیامبر (ص) که فرموده است: «من امر به مقاتله با مردم شدم تا زمانی که «لا اله الا الله» بگویند پس هر کسی «لا اله الا الله» بگوید مال و جان من محترم است». لکن ابوبکر با استناد به یکی از مقاصد شریعت که حفظ دولت اسلامی است با این استدلال که تمرد از یکی از احکام منجر به تمرد از تمامی احکام اسلامی می‌شود، سایر صحابه را متقاعد به این جنگ نمود (الشوکانی، ۱۴۱۳ق، ۴/۱۷۵). در این زمینه نمونه‌های دیگری نیز ذکر شده است از قبیل جمع‌آوری قرآن (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۴/۱۹۰۷)، ترغیب مسلمانان به حفظ صنایع (ابن شبه، ۱۳۹۹ق، ۷۴۷/۲)، تأسیس دستگاه شهربانی (شرطه) در زمان عثمان بن عفان برای حفظ امنیت در

جامعه مسلمین (امین القضاء، ۲۰۰۴م، ۸۵)، تقسیم غنائم، نماز تراویح و به جماعت خواندن آن، طلاق ثلاث و... (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۱۱ق، ۲۰۳/۱؛ ابن قدامه حنبلی، ۱۴۲۳ق، ۱۴۸؛ دهلوی، ۱۴۲۶ق، ۴۶/۱).

از قرن پنجم به بعد بار دیگر این مسئله را جوینی (م ۴۷۴ ق) در کتاب «البرهان فی اصول الفقه» مطرح کرد. او اولین کسی است که در بحث قیاس از علل و معانی احکام سخن گفت (جوینی، ۱۴۱۸ق، ۶۰۲/۲). پس از جوینی، شاگرد وی ابوحامد غزالی (متوفی ۵۰۵ ق) بحث استادش را پیگیری نمود. وی از آرا و اندیشه‌های جوینی استفاده کرده؛ ولی با این حال وی به‌طور کلی در علم اصول و به‌ویژه در مقاصد شریعت به دستاوردهای استادش بسنده نکرد؛ بلکه آن‌ها را تنقیح کرده و دگرگون ساخت و بر آن مطالبی را افزود. او در کتاب «المستصفی فی علم الاصول» به این مسئله پرداخته است و در بحث استصلاح، مصلحت را به اعتبار قوت و ضعف آن به ضروریات و حاجیات و تحسینات تقسیم‌بندی نمود (غزالی، ۱۴۱۳ق، ۱۷۴/۱). پس از غزالی، فخرالدین رازی (متوفی ۶۰۶) و سیف‌الدین آمدی (متوفی ۶۳۱) هر یک، گفته‌های او را تکرار کردند. فخر رازی در کتابش «المحصول» هر آنچه را که جوینی و غزالی گفته بودند، گردآوری کرد. درباره رازی این نکته گفتنی است که در زمانی که اندیشه تعلیل احکام در معرض تشکیک بود وی سخت به دفاع از آنان پرداخت. لکن وی به ترتیبی که غزالی در مقاصد ذکر کرده بود توجه نکرده و در موارد مختلف این ترتیب را مراعات نمی‌کرد (فخر رازی، بی تا، ۲۱۷/۲-۲۱۸). پس از سه قرن تلاش‌های علمی، شاطبی (م ۷۵۰ ق) نخستین کسی است که به طرح تفصیلی مقاصد در کتاب «الموافقات فی اصول الشریعة» پرداخت و یک جلد از آن را با عنوان «کتاب المقاصد» به این موضوع اختصاص داد. وی پس از گردآوری سخن گذشتگان به دو مسئله جدید در حوزه مقاصد پرداخت. یکی دسته‌بندی مقاصد و دیگری راه‌های دستیابی به مقاصد فقه. به حق می‌توان گفت که کتاب شاطبی نقطه عطفی در پژوهش‌های پیرامون مقاصد است. وی مقاصد شارع از وضع شریعت را به ضروری، حاجی و تحسینی تقسیم نموده و مقاصد خمس را مربوط به مقاصد ضروری دانست و در نهایت به‌طور تفصیلی به بیان قواعدی برای هر یک از مقاصد شارع و مکلفان پرداخت (شاطبی، ۱۴۳۱ق، ۵/۲-۱۰). پس از شاطبی از آنجا که در اندیشه اسلامی، نیروی محرکی نبود تا تلاش‌های شاطبی را دنبال کند و آن را تکامل دهد (النجار، ۱۹۹۲م، ۱۲۴) تجربه موافقات او نادیده گرفته شد و قرن‌ها به انتظار نشست تا زمانی که شیخ محمد عبده در سال ۱۳۰۲ هجری قمری با چاپ نخست این کتاب در

تونس مواجه شد. او در ترویج اثر شاطبی بسیار تلاش کرد. عبدالله دراز از شاگردان عبده می‌گوید: سفارش استاد محمد عبده را به دانشجویان درباره استفاده از این کتاب بسیار شنیدم و من در آن هنگام از علاقه‌مندان به انجام این سفارش بودم (شاطبی، ۱۴۳۱ق، ۱/۱۲). در دوران معاصر، عالمان اهل سنت به توسعه و تکمیل مکتب شاطبی و ابن عاشور پرداخته‌اند و آثاری به رشته تحریر درآورده‌اند.

توجه به اهداف شارع نزد عالمان امامیه از اواخر قرن سوم رونق می‌گیرد و با عنوان «کتاب العلل» تحریر می‌شود، از اکثر این کتاب‌ها جز نامی در فهرست‌ها اثر دیگری در دست نیست. باید توجه داشت که علل الاحکام نیز با مقاصد الشریعه همسو است؛ زیرا معقول نیست که شارع در این دو، اهدافی مغایر با یکدیگر را پیگیری کند؛ لذا می‌توان بحث از علل احکام را به نوعی نزدیک به بحث مقاصد دانست، البته باید توجه داشت همسان‌انگاری این دو اصطلاح «علل الشرایع» و «مقاصد الشریعه» صحیح نیست؛ چراکه مقاصد شریعت، مقاصد عام و کلی‌ای است که پشتوانه جعل احکام شرعی شمرده شده است، در حالی که مقصود از علل، مناط احکام است؛ یعنی آنچه شارع حکم را متوقف بر آن کرده و آن را به‌عنوان علامتی بر حکم قرار داده است. به عبارت دیگر علت حکم به مصالح و مفاسدی اطلاق می‌شود که حکم شرعی دایرمدار آن است. فخرالمحققین، در مقام بیان مقصد شارع از تحریم «زنا» می‌نویسد: «اهل تمامی ملت‌ها، بر تحریم زنا اجماع دارند؛ زیرا از «اصول خمس» ای است که در هر شریعتی، حفظ آن‌ها واجب است و هدف آن، حفظ نسب است» (حلی، ۱۳۸۷ق، ۴/۴۶۹).

شهید اول نیز در مقام بیان وسایلی که شارع مقدس از طریق آن‌ها به اهداف خویش می‌رسد، می‌نویسد: «وسیله چهارم: چیزی است که موجب حفظ «مقاصد خمس» می‌گردد. مقاصد خمس عبارت‌اند از: نفس و دین و عقل و نسب و مال. تشریح نیز هدفی غیر از حفظ این مقاصد نداشته است؛ بنابراین، حفظ نفس، به وسیله قصاص و دیه و دفاع است. حفظ دین، به وسیله جهاد و قتل مرتد است. حفظ عقل، به وسیله تحریم مسکرات و حد بر آن است. حفظ نسب، به وسیله تحریم زنا و آمیزش هم‌جنس‌ها و آمیزش با حیوانات و تحریم قذف و حد بر آن است. حفظ مال، به وسیله تحریم غصب و سرقت و خیانت و راهزنی و حد بر آن است» (عاملی، بی‌تا، ۱/۳۰). شهید ثانی معتقد است که می‌توان در مواردی برای احکام، مقاصدی را کشف کرد. به‌عنوان مثال وی در باب شهادت می‌گوید: «چنانچه دو شاهد وجود داشته باشد یکی از شهود نمی‌تواند به بهانه این‌که وجود دیگری همراه با قسم مدعی، اثبات‌کننده حق است و دیگر نیازی به او نیست، از شهادت دادن خودداری نماید؛ زیرا از مقاصد شهادت،

پرهیز از قسم خوردن مدعی است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ۱۳۸/۳). باید توجه داشت از آنجا که مبانی حجیت ادله فقهی در میان فقهای امامیه، متفاوت از اهل سنت است؛ لذا بحث از مقاصد شریعت در میان فقهای امامیه گسترش چندانی پیدا نکرد. البته برای این عدم گسترش دلایلی نیز ذکر شده است که عبارتند از: دوری فقهای امامیه از حکومت (حسینی، ۱۳۸۴ ش، ۲۴)، صدور روایات فراوان در مذمت قیاس و رأی (کلینی، کافی، ۵۷/۱)، عدم روش مندی فقه مقاصدی و در مقابل قاعده‌گرایی و روش مند بودن فقه امامیه (حسینی، ۱۳۸۸ ش، ۲۴) و

۴. اقسام مقاصد

مقاصد به اعتبار شمول آن به دو دسته تقسیم می‌شود؛ چراکه گاهی حکمی شامل تمام امت می‌شود و گاهی نیز تنها مربوط به بخشی از مردم است؛ لذا مقاصد از این جهت دو قسم است:

مقاصد عام: مقاصدی که به نحو عام استغراقی شامل تمام افراد امت می‌شود؛ یعنی قضایایی کلی و اهدافی عمومی که شارع در جمیع تشریعات خود اعم از عبادات و معاملات و عادات و جنایات آنرا لحاظ کرده است از جمله این مقاصد، ضروریات خمس (حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال) و در رأس آن حفظ دین است (الیوبی، ۱۴۱۸ ق، ۳۸۸) و نیز مقاصدی چون عدالت، مساوات، رفع حرج و مقصد اخوت و برادری در جامعه است (نجار، ۱۹۹۲ م، ۴۴). احمد ریسونی معتقد است که همه ضروریات خمس در آیه ۱۲ سوره ممتحنه جمع شده است. حفظ دین از «أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ»، حفظ مال از «وَلَا يَسْرِقْنَ»، حفظ نسب و عرض از «وَلَا يَزْنِينَ» و حفظ نفس از «وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ» قابل استنباط است. وی معتقد است که حفظ عقل نیز جزئی از حفظ نفس است (ریسونی، ۱۴۳۰ ق، ۱۶۱).

مقاصد خاص: اهداف و غایات خاصی است که به باب معینی از ابواب شریعت یا به ابواب متجانس یا مجالی از مجالات معین اختصاص دارد مانند تمام مقاصد عبادات، مقاصد جنایات و یا مقاصد بایی از ابواب شریعت مثل باب طهارت و امثال این گونه موارد (الیوبی، ۱۴۱۸ ق، ۴۱۱).

۵. طرق کشف مقاصد از قرآن

برای کشف مقاصد طرقی ذکر شده که به سه طریق اشاره می‌شود. اولین طریق دستیابی به مقاصد قرآنی، دلالت صریح یا ظاهر آیات قرآن است. هنگامی کلام شارع در بیان مقصد حکم صراحت دارد که از واژه‌های مخصوص تعلیل استفاده شود مانند «لعله کذا»، «لاجل کذا»، «کی یکون کذا»، «اذن یکون کذا»، «لکذا»، «فانه کذا» و... مانند: «مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ

أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲) و هر گاه در کتاب، از کلماتی برای بیان علت استفاده شود که احتمال معنای دیگری نیز در آن‌ها داده شود ولی احتمال علت بودن آن‌ها قوی‌تر باشد در این صورت کلام ظاهر در بیان علت است که در این صورت از الفاظی مانند «لام، آن، این، آن، این، باء، فاء، لعل، حتی و ...» استفاده می‌شود. مثال: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/۹۰)؛ از آنجا که تعبیر «رجس من عمل الشيطان» در آیه و تفریع وجوب اجتناب بر آن - که با آوردن فاء در جمله «فاجتنبوا» فهمیده می‌شود - در حکم کبرای کلی به‌شمار می‌رود، معلوم می‌شود که این مصلحت، علت حکم است. این دلالت، مصداق دلالت ظاهر است (علیدوست، ۱۳۸۸ش، ۴۷۳). یکی از دیگر طرق دریافت مقاصد شریعت توجه به اوامر و نواهی قرآن است. از دیدگاه شاطبی یکی از اموری که برای کشف مقاصد مورد استفاده قرار می‌گیرد اوامر و نواهی صریح و ابتدایی شارع است، منظور از قید ابتدایی این است که مأموریه یا منهی‌عنه به قصد اولی موردنظر شارع باشد و به تبع امر یا نهی دیگری آورده نشده باشد و مقصود از صریح در مقابل امر و نهی ضمنی است؛ لذا اگر امر یا نهی به صورت ابتدایی و صریح باشد از تأمل در آن می‌توان به مقاصد شارع پی‌برد؛ زیرا امر شارع، نشان‌دهنده وجود مصلحت و مقصدی از مقاصد شارع است و نهی شارع نشان‌دهنده وجود مفسده‌ای است که ترک آن، مقصدی از مقاصد شارع است، البته مقاصد در این طریق به صورت اجمالی درک می‌شود و برای شناخت تفصیلی آن باید از طرق دیگری استفاده نمود. به‌عنوان مثال شاطبی معتقد است در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ» (جمعه/۹)، «فاسعوا» امر ابتدایی و «ذروا» امر تبعی است؛ لذا از امر اول می‌توان هدف شارع را کشف کرد؛ اما از امر دوم نمی‌توان برداشت نمود که شارع قصد منع از بیع را داشته است بلکه این نهی را به جهت معاضدت بر امر اول آورده است (شاطبی، ۱۴۳۱ق، ۲ / ۶۶۷ - ۶۷۷). سومین مورد از طرق دریافت مقاصد قرآنی توجه به نصوص قرآن است مانند مواردی که خداوند مقصد رفع حرج (حج/۷۸؛ مائده/۶) و مقصد تسهیل (بقره/۱۸۵) و ... را بیان کرده است. علاوه بر موارد ذکر شده، آیات بسیاری در قرآن به ملاک‌ها و مقاصد تشریح احکام اشاره دارند؛ مانند مقصد جلوگیری از فحشاء و منکر که مقصد تشریح نماز قرار داده شده است (عنکبوت/۴۵) و یا پاک‌سازی و رشد که مقصد تشریح زکات» (توبه/۱۰۳) و رسیدن به تقوای الهی که مقصد تشریح روزه قرار داده شده است (بقره/۱۸۳) و

۶. نقش مقاصد در ارزیابی روایات

در ادامه به نقش نصوص قرآنی مبین مقاصد در ارزیابی متن روایات پرداخته می‌شود. این مقاصد در فهم و تفسیر، تضییق و توسعه روایات تأثیرگذار است و در صورت تعدی از مرجحات منصوصه می‌تواند به‌عنوان یکی از مرجحات باب تعارض قرار گیرد و در نهایت شناخت این مقاصد می‌تواند به‌عنوان ملاکی برای سنجش صحت متن روایات قرار گیرد که در این مجال این موارد به تفصیل بررسی می‌شود.

۱-۶. فهم و تفسیر روایات

توجه به مقاصد و نصوص قرآنی مبین آن می‌تواند موجب برداشتهای جدیدی از روایات شود به طوری که بدون توجه به این مقاصد چنین ظهوری ایجاد نمی‌شد. مقاصد شارع و نصوص قرآنی مبین آن، هم ذهن فقیه را توانایی می‌بخشد به طوری که در برخی از موارد به توسعه مفهوم ظاهری روایت پرداخته و یا در مواردی دیگر، دست از عموم یا اطلاق روایت برمی‌دارد و روایات را به نطق گویاتری وامی‌دارد، به طوری که زمینه را برای برداشت لایه‌های عمیق‌تری از روایت فراهم می‌سازد. باید توجه داشت که به‌کارگیری مقاصد در فهم روایات، موجب عدم انسجام و هرج و مرج در برداشت از متون نمی‌شود؛ چراکه توجه به مقاصد شارع و هماهنگی با آن‌ها به این برداشتها نظم داده و آن‌را در چهارچوب خاص قرار داده و قانونمند می‌سازد. بر این نکته عموم علمای مقاصدی تأکید دارند. نورالدین خادمی دستیابی به تفسیر درستی از نصوص شرعی را از کارکردهای مقاصد شارع می‌داند (خادمی، ۱۴۲۱ق، ۵۰). زحیلی یکی از فواید شناخت مقاصد را، کمک گرفتن از مقاصد برای فهم و تفسیر نصوص شرعی به هنگام تطبیق آن‌ها بر وقایع به شکل صحیح می‌داند (الزحیلی، بی‌تا، ۶۳۳). نعمان جعیم معتقد است این فایده مقاصد، اختصاص به نصوص ظنی دارد؛ زیرا مجتهد از مقاصد برای فهم نصوص و معنای مناسب با مقاصد شارع کمک می‌گیرد؛ و توجه به مقاصد باعث می‌شود که گاهی مجتهد به تأویل نص پرداخته و از معنای ظاهری که مخالف مقاصد شریعت است صرف‌نظر کند (جعیم، ۱۴۳۵، ۴۶). در ادامه به برخی از نمونه‌های فقهی این کاربرد مقاصد قرآنی اشاره می‌شود.

حفظ دین از اهم مقاصد شارع است و علاوه بر این که خداوند خود متکفل حفظ دین شده است (حجر / ۹)، احکامی را در جهت حفظ آن وضع کرده است، مانند آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران / ۱۰۴) و نیز آیات مربوط به جهاد (حج / ۴۰؛ انفال / ۶۰). امام خمینی باتوجه به این

مقصد، روایات تحریم مجسمه‌سازی و نگهداری آن و نقاشی موجودات زنده را ناظر به تماثیل و صورت‌هایی می‌داند که یادآور بت‌ها است والا شخص به‌صرف داشتن مجسمه از اسلام خارج نمی‌شود. وی معتقد است که این نهی شدید رسول الله (ص) که تنها مناسب حال کفار و امثال آنهاست به‌خاطر ریشه‌کن کردن اساس کفر (انفال/۳۹) و دفاع از توحید (ابراهیم/۵۲) است؛ زیرا برخی از اعراب بعد از نابودی بت‌ها به دست رسول الله هنوز علقه آنها به بت‌ها باقی بود و از این‌رو برای حفظ آنها، تماثیل آنها را ساخته بودند؛ بنابراین این روایات ظاهر و یا منصرف به این گروه است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ۲۵۷/۱-۲۵۸).

در بررسی این کارکرد باید گفت که توجه به مقاصد نقش بسیار مهمی در تحدید مدلولات واژگان، فهم و تفسیر نصوص دارد؛ چراکه عرف، در مقام فهم کلام هر متکلمی تمام قرائن را لحاظ می‌کند که از جمله این قرائن، مقاصد کلان شارع است؛ در نتیجه این کارکرد مقاصد شارع مورد تأیید بنای عقلا، روایات و عرف است (علیدوست، ۱۳۸۸ش، ۳۸۸). باید توجه داشت که این روش در فهم و استنباط، اختصاص به احکام شرعی ندارد؛ بلکه شیوه‌ای عقلانی بوده که سیره امامان معصوم^(ع) نیز آن را تأیید می‌کند. به‌عنوان نمونه در برخی روایات، ائمه^(ع) با توجه به مقاصد شریعت یعنی حفظ عقل (مائده/۹۰) و کرامت انسانی (اسراء/۷۰)، مدلول آیه تحریم خمر را توسعه داده و به حرمت مطلق مسکرات حکم کرده‌اند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۴۲/۲۵) تا جلوی توجیه می‌گساری خلفا و حکام جور گرفته شود.

۲-۶. تزییق و توسعه روایات

مراد از تزییق و توسعه حکم در این کاربرد، تزییق و توسعه بعد از انعقاد ظهور است به این معنی که مقصد حکم به مثابه علت حکم عمل کند؛ لذا در مواردی با آنکه دلیل، ظهور در عموم یا اطلاق دارد؛ اما با توجه به مقاصد شارع از این عموم یا اطلاق دست برداشته می‌شود. به‌عنوان مثال مغنیه معتقد است ادله عامی که دلالت بر بطلان تصرف صبی می‌کند منصرف از حالتی است که صبی، ممیز باشد یا ممیز بودن صبی این عموماً را تخصیص می‌زند. وی در تعلیل این مطلب بیان می‌کند که مقاصد شریعت همان مصلحت است و هر جا علم به مصلحت پیدا کردیم واجب است بر طبق آن حکم شود، همان‌طور که در مفهوم اولویت و قیاس‌های قطعی چنین عمل می‌شود. (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۶۳۳). مغنیه با در نظر گرفتن مقصد تسهیل (بقره/۱۸۵) در معاملات، ادله عام بطلان تصرفات صبی را تخصیص می‌زند و تصرفات صبی ممیز را از این ادله خارج می‌کند. مثال دیگر این‌که برخی از فقهای امامیه عموماً و

اطلاقات ادله دال بر صحت معاملات را شامل معاملات سفیهانه نمی‌دانند و علت این مطلب استناد به مقصد کلان شارع یعنی رشد خرد انسان‌ها (ص/۲۹) و تکمیل و استقرار ارزش‌های اخلاقی (احزاب/۲۱) می‌باشد (خمینی، ۱۴۱۵ق، ۱/۱۶۳)، بنابراین دیدگاه عمومات و اطلاقات ادله امضاء در معاملات، باتوجه به این مقصد کلان، تخصیص و تقیید زده می‌شود.

در مواردی نیز توجه به مقاصد شارع موجب الغای خصوصیت از دلیل حکم شده و حکم به غیر از مواردی که در موضوع حکم بیان شده تعمیم داده می‌شود. به‌عنوان نمونه در مورد موضوع احتکار، مصادیقی در روایات ذکر شده است. خبر غیاث بن ابراهیم از ابی‌عبدالله^(ع) مصادیق احتکار را در گندم و جو و خرما و کشمش قرار داده است و در کتاب من لایحضره الفقیه روغن زیتون نیز اضافه شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۷/۴۲۵). صاحب جواهر با تمسک به مقاصد همچون عدالت (حدید/۲۵؛ مائده/۸) و عدم تنگی و سختی بر مردم (حج/۷۸) در موضوع حرمت احتکار قائل به توسعه شده و معتقد است که موضوع حرمت احتکار کالاهایی است که مورد احتیاج مردم بوده و احتکار آن موجب تنگی و سختی بر مردم است؛ از این رو نباید موضوع احتکار را به مواردی که در روایات ذکر شده است، محصور نمود (نجفی، ۱۳۶۵ش، ۲۲/۴۸۱). وی در مسئله تلقی رکبان با کشف مقصد شارع از این نهی، حرمت نهی را توسعه داده و فقط شامل کاروان‌های تجاری نمی‌داند، بلکه مردم شهر را نیز شامل این نهی می‌داند؛ زیرا از دیدگاه وی مقصد شارع برای حرمت این عمل در روایات این است که سود حاصل از تجارت تنها عائد گروه خاصی نشود (نجفی، ۱۳۶۵ش، ۲۲/۴۷۴). این مقصد شارع در قرآن نیز بیان شده است (حشر/۷). مثال دیگر این که در روایات فراوانی حکم به تذکیه گوشت یا پوستی شده که از بازار مسلمانان خریداری شده است و دلیل این حکم، غلبه قرار داده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲/۱۰۷۲). امام خمینی با استناد به دفع حرج (مائده/۶) که یکی از مقاصد مهم شارع است برای بازار خصوصیتی قائل نبوده و حکم را به هر مکانی که مسلمانان در آن اجتماع کرده‌اند، تسری می‌دهد و لو این که بر آن صدق بازار نکند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۴/۲۵۰). مغنیه نیز در بحث سبق و رمایه، علاوه بر حافر و خف و نصل که در روایات وارد شده اسلحه‌های مدرن امروزی را نیز مشمول حکم جواز می‌داند؛ زیرا در عصر پیامبر^(ص) تنها این گونه سلاح‌ها متداول بوده است. وی این فتوا را اجتهاد در برابر نص ندانسته، بلکه اجتهاد صحیح در فهم و تفسیر نص می‌داند که با روح شریعت اسلام هماهنگی دارد. از دیدگاه این فقیه نواندیش اجتهاد در برابر نص، ممنوع است؛ ولی کشف مقاصد شارع، تفسیر

صحیح نص است (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۲۳۶/۴). به نظر می‌رسد مغنیه با درک مقصد شارع از جواز مسابقه در این‌گونه امور که آماده‌سازی مسلمانان در برابر دشمنان است (انفال/۶۰) از موضوعات ذکر شده در این روایات عبور کرده و سلاح‌های امروزی را نیز داخل حکم جواز می‌داند.

نقش مقاصد شارع در این کارکرد، ایجاد یا شکستن ظهور ادله است؛ لذا گاهی نصی در معنایی ظهور دارد لکن باتوجه به مقاصد شارع آن ظهور بدوی از بین می‌رود. به‌عنوان مثال در مواردی نصی در بدو امر ظهور در عموم یا اطلاق دارد؛ ولی توجه به مقاصد شارع، آن عموم یا اطلاق را تخصیص یا تقیید می‌زند. در نقد این کارکرد مقاصد گفته شده است: «ظهور هر کلامی مبتنی بر قرائن حالیه و یا مقالیه‌ای است که در آن کلام وجود دارد و عموم فقها مقاصد شارع را جزء این قرائن نمی‌دانند. از طرفی بنای شارع در بسیاری از احکام شرعی بر تعبد است و در بسیاری از امور غیر تعبدی نیز رابطه علت حکم با مقاصد شارع برای ما مشخص نیست؛ لذا دخیل دانستن مقاصد در شکل‌گیری ظهورات عملاً ناممکن به نظر می‌رسد (حسینی، ۱۳۹۲ش، ۴۸-۵۱)». در جواب این اشکالات به نظر می‌رسد: اولاً؛ این‌که عموم فقها مقاصد شارع را جزء قرائن نمی‌دانند به نحو کلی صحیح نیست؛ چراکه برخی از فقها مقاصد را جزء قرائن در استظهار قرار داده‌اند؛ البته ممکن است که اصطلاح مقاصد را ذکر نکرده باشند؛ اما نوعاً از مفاهیم همسو با این اصطلاح استفاده کرده‌اند. همان‌طور که اشاره شد تفسیر کلمات به‌کار رفته در ادله نقلی به عهده عرف عام است؛ زیرا مخاطب شارع، عرف عام بوده و شارع به زبان عرفی با مخاطبان خود سخن گفته است؛ لذا فهم عرف حجت است و عرف نیز هنگام تفسیر این کلمات تمامی قرائن حالیه و مقالیه را در نظر می‌گیرد که یکی از این قرائن، مقاصد شارع است. ثانیاً؛ به‌کارگیری مقاصد در استنباط، ارتباط زیادی با امور تعبدی ندارد و در امور غیر تعبدی هم این‌طور نیست که رابطه علت حکم با مقاصد برای ما مشخص نباشد؛ بلکه بالعکس در برخی از موارد این رابطه برای ما مشخص است البته تأکید این نکته لازم است که درک قطعی این روابط برای ما حجت بوده و در مواردی که این درک قطعی حاصل شود، مقاصد در شکل‌گیری ظهورات مؤثر خواهند بود. محمد مهدی شمس‌الدین مقاصد شریعت را در غیر عبادات قابل فهم می‌داند و می‌گوید: «تعبد در عبادات از مسائل غیر قابل تردید است؛ اما در مسائل اجتماعی، مانند فقه (حقوق) خانواده یا مسائل خرید و فروش، تعبد راه ندارد و بایستی در این امور براساس ادله و قواعد عام و مقاصد شریعت قیاس نمود» (حسینی، ۱۳۸۴ش، ۲۱).

۳-۶. حل تعارض روایات

شناخت مقاصد شارع و اولویت‌بندی آن، می‌تواند ملاکی برای حل تعارض و به‌عنوان یکی از مرجحات باب تعارض روایات باشد. ابن عاشور معتقد است که مجتهد قبل از امضای هر دلیلی که برای او در یک مسئله‌ای از مسائل فقه ظاهر شده است باید از وجود معارض فحص کند و علم به مقاصد شارع می‌تواند به شناخت معارض‌های یک روایت کمک کند به این‌صورت که موافقت یک روایت با مقاصد شارع احتمال وجود معارض را ضعیف می‌کند و از طرف دیگر دلیلی که تأمین‌کننده مقاصد شریعت و یا به تحقق آن نزدیک‌تر باشد بر دلیلی که ملائم مقاصد نیست و از تحقق مقاصد قاصر است مقدم می‌شود (ابن عاشور، ۱۳۶۶ق، ۱۲۰-۱۲۴). نمونه فقهی این کارکرد عبارت است از این‌که در مورد لزوم اجازه ولی در نکاح دختر باکره رشیده پنج نظریه وجود دارد که منشأ این اختلاف تعارض روایات است:

اول: پدر و جد به نحو استقلال ولایت دارند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۳ از ابواب عقد نکاح، حدیث ۱۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴/۲۵۰؛ ابن رشد، ۱۴۱۵ق، ۸/۲؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۳۲۱)
 دوم: استقلال برای دختر است و کسی مطلقاً بر او ولایت ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۳ از ابواب عقد نکاح، حدیث ۱؛ سید مرتضی، ۱۳۹۱ق، ۱۲۲؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ۷/۱۱۵؛ کرکی، ۱۴۱۵ق، ۱۲۳/۱۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ۵/۱۱۶؛ ابن رشد، ۱۴۱۵ق، ۸/۲؛ ابن قدامه، بی‌تا، ۳۳۷/۷).
 سوم: تفصیل بین دوام و متعه که در عقد دائم استقلال دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱۱، حدیث ۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ۲/۵۰۲) شهید ثانی در مسالک الافهام، بیان می‌کند که قائلین به این قول، مجهول هستند؛ زیرا محقق، بعد از بیان این قول، ناقلین آنرا متذکر نشده است (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ۷/۱۲۱).
 چهارم: عکس صورت سوم یعنی در منقطع استقلال دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۳ از ابواب عقد نکاح، حدیث ۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷/۳۸۰).

پنجم: تشریح یعنی اعتبار اذن دختر و پدر یا جد پدری که این قول جمع بین روایات کرده است. صاحب جواهر با توجه به تعارض روایات به‌عنوان یک احتمال چنین می‌گوید: «چه بسا اعتبار گواه بر سقوط ولایت است، زیرا اجبار کردن دختر عاقل و کامل بر چیزی که از آن کراهت دارد موجب ستم به او می‌شود» (نجفی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۰/۲۹). وی با توجه به ضرورت عدم تحقق ظلم بر کسی که از مقاصد قرآنی شارع است (بقره/۲۷۹)، قول دوم و روایات مربوط به آنرا ترجیح می‌دهد.

مثال دیگر: درباره مراتب امر به معروف و نهی از منکر دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: بر طبق این دیدگاه مرحله عملی در ابتدا واجب بوده و در صورت عجز از آن، مرحله زبانی و قلبی واجب می‌شود (مفید، ۱۴۱۳ق، ۸۰۹؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ۲۶۰؛ حلبی، ۱۴۰۴ق، ۱۴۶)

دیدگاه دوم: طبق این دیدگاه در ابتدا مرحله زبانی واجب بوده و در صورت عدم تأثیر، مراحل بعدی و در نهایت برخورد عملی واجب می‌شود (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۲۳/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ۲۵۹/۴-۲۶۰؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ۴۷/۲؛ صاحب جواهر، ۱۳۷۴ش، ۱۴/۲۱). مشهور فقها دیدگاه دوم را پذیرفته‌اند (روحانی، ۱۴۱۲ق، ۲۷۸/۱۳) و هر دو دسته برای اثبات مدعای خود به ظهور برخی از روایات استناد کرده‌اند، به‌عنوان مثال صاحب جواهر به روایتی از امیرالمومنین علی^(ع) (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶/۱۳۳) در اثبات قول مشهور استناد کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۸۴/۲۱) و در مقابل مخالفین نظر مشهور نیز به ظهور برخی از روایات از قبیل روایتی از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری^(ع) استناد کرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶/۱۳۵). برای حل تعارض بین این روایات راه‌حلهایی ذکر شده است لکن باتوجه به مقاصدی از قبیل رفق و مدارا (آل عمران/۱۵۹)، حفظ نفس و آبروی افراد که در صورت تراحم با مقاصد ضروری بالاتر مانند حفظ دین مرجوح واقع می‌شود، می‌توان روایات مستند قول مشهور را مقدم نمود (عبدخدائی و همکاران، ۱۳۹۶ش، ۸۸). ایروانی برای اثبات قول مشهور به آیه ۱۲۵ سوره نحل (ایروانی، ۱۴۲۷ق، ۱/۵۶۵) و صاحب جواهر به آیه ۹ سوره حجرات (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۱/۳۷۸) استناد کرده‌اند.

در بررسی این کارکرد مقاصد باید گفت که اگر تعدی از مرجحات منصوصه را جایز بدانیم کما این‌که عده‌ای از علمای امامیه آن را پذیرفته‌اند (انصاری، ۱۴۲۸ش، ۴/۷۵؛ مظفر، ۱۳۸۷، ۵۹۰)، می‌توان موافقت با مقاصد شارع را جزء مرجحات باب تعارض دانست؛ زیرا موافقت با مقاصد شارع می‌تواند موجب ظن به صدور روایت از معصوم^(ع) و معیاری برای ترجیح روایات در مقام تعارض باشد.

۴-۶. ارزیابی متن روایات

شناخت قطعی مقاصد شارع می‌تواند به‌عنوان ملاکی برای ارزیابی متن و مدلول روایات قرار گیرد. در علم فقه الحدیث یکی از معیارهای ارزیابی متن احادیث، توجه به مقاصد عمومی شارع قرار داده شده است (ربانی، ۱۳۹۳ش، ۲۱۴) در توضیح این مطلب باید گفت یکی از ملاک‌هایی که از طرف اهل بیت^(ع) برای ارزیابی اعتبار روایات مشخص شده موافقت روایت با قرآن است. برخی معتقدند منظور از موافقت

با قرآن، موافقت با روح کتاب است (عدنان، ۱۴۱۴ق، ۱۱؛ معرفت، ۱۳۸۷ش، ۱/۲۲۵). بعید نیست مراد از کنارگذاری آنچه که با قرآن مخالفت دارد کنارگذاری دلیلی باشد که با روح عام قرآن (مقاصد شارع) مخالف است؛ یعنی دلیل ظنی‌ای که با طبیعت قانون‌گذاری و مزاج احکام آن هماهنگی ندارد، حجت نمی‌باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ۷/۳۳۴). محقق سیستانی اعتبار سندی روایت برای دلالت بر نظریه مختار را برای حجیت خبر کافی ندانسته و معتقد است برای تحقیق مضمون خبر باید آن را با شواهدی از کتاب و سنت مقایسه کرد و به نقد داخلی آن پرداخت وی یکی از موارد نقد داخلی روایت را بررسی توافق روحی روایت با کتاب و سنت می‌داند (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۲۱۲). به عبارت دیگر می‌توان گفت که مضمون روایت باید موافق با مقاصد کلان و قطعی شارع باشد. علمای امامیه نیز از این قانون در کتب فقهی خود یاد کرده‌اند و گاهی از آن با تعبیری چون تطابق با مذاق شارع و روح شریعت یاد کرده‌اند. شهید صدر نیز در تبیین معیار مخالفت با قرآن معتقد است که مقصود از طرح آنچه که مخالف قرآن کریم است یا طرح آنچه که شواهدی از قرآن بر آن وجود ندارد، طرح روایاتی است که مخالفت با روح کلی قرآن دارد؛ یعنی روایاتی که نظائر و اشباه آن در قرآن موجود نمی‌باشد (صدر، ۱۴۱۷ق، ۷/۳۳۳). به این معنا که وقتی دلیلی با نوع تشریحات قرآن و مذاق احکامش هماهنگ نباشد، فاقد حجیت است. به‌عنوان مثال اگر در روایتی از گروهی از مردم نکوهش شده باشد، به‌عنوان مثال موجوداتی پست در آفرینش قلمداد شده و یا گروهی از جن معرفی شده باشند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ۵/۱۵۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷/۱۱؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲/۱۶۴) باید گفت این روایات با تصریح قرآن مبنی بر یگانگی مردم در هویت و تبار انسانی و برابری آنان در انسانیت (حجرات/۱۳)، مخالف است. علمای مقاصدی اهل سنت نیز تأکید فراوانی درباره این کاربرد مقاصد دارند (ریسونی، ۱۹۹۱م، ۲۱۴).

رشید رضا روایاتی که دخول در مخرج در هنگام نزدیکی را مباح می‌داند، به دلیل مخالفت با لفظ «حرث» در آیه ۲۲۳ سوره بقره نادرست می‌داند (رشید رضا، ۱۳۹۳ق، ۲/۳۶۲ و ۳۶۳). از آنجا که از مقاصد باب نکاح، تولید نسل (بقره/۲۲۳) است همان‌طور که از این آیه استفاده می‌شود؛ لذا وی این روایات را مخالف با مقاصد باب نکاح تشخیص داده و حکم به عدم اعتبار آنها می‌دهد. نمونه فقهی دیگر این‌که جمع گسترده‌ای از فقیهان نسبت به حیل ربا و تدبیر فرار از حرام به حلال نظر مساعد دارند و اندیشه خود را به نصوصی در این زمینه مستند می‌نمایند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸/۵۶-۵۴) برخی از فقها با توجه به مقاصد شارع و علل تشریح حرمت ربا (بقره / ۲۷۹) در صدور این روایات تشکیک

کرده و این احتمال که روایت‌ها از ناحیه مخالفان امامان معصوم^(ع) جعل شده باشد را بعید ندانسته‌اند (خمینی، بی‌تا، ۵۳۸/۱). به‌عنوان نمونه یکی از حیل‌هایی که بسیاری از رباخواران از آن بهره می‌گیرند بیع عینه است، چنین عقدی از آن روی حیل است که ظاهرش بیع و حقیقتش رباست و قاعده در معامله آن است که بنگریم چه از دست می‌رود و چه به‌دست می‌آید؛ چرا که ظاهر گفتار متعاملین در معامله معتبر نبوده؛ بلکه آنچه که معتبر است هدف طرفین معامله است (ویسی، ۱۳۹۷ش، ۱۳۴).

توجه به مقاصد کلان شارع نقش مهمی در فهم ادله نقلی دارد تا جایی که گاهی معیار حجیت قرار می‌گیرد و صدور دلیلی را از شارع مورد تردید قرار می‌دهد. علت و ضابطه چنین تأثیری را می‌توان مقدمه‌سازی مقاصد شارع برای حضور عقل در کنار نص دانست به این معنی که گاهی مخالفت ظواهر ادله لفظی با مقاصد کلان شارع موجب می‌شود که عقل وارد میدان شده و نص مخالف مقاصد را کنار بزند؛ لذا در این مورد، مقاصد شارع به‌طور مستقیم بر نص تأثیر ندارد؛ بلکه زمینه برای حضور عقل که خود یکی از منابع استنباط است را فراهم می‌کند (علیدوست، ۱۳۸۸ش، ۳۸۶ و ۳۸۵).

در نقد این تأثیر گفته شده است: حضور عقل عملی در کنار نص با زمینه‌سازی مقاصد شارع منوط به مقدمه‌ای است که این مقدمه در بسیاری از موارد قطعی نیست؛ لذا این استدلال را به‌دلیل ظنی و احتمالی بودن، مخدوش می‌کند. آن مقدمه حکم عقل به خلاف مقاصد بودن ظاهر نص کذایی است. علت عدم توانایی عقل در درک قطعی مخالفت ظاهر نص با مقاصد شارع این است که از طرفی عالم تکوین دارای روابط پیچیده‌ای است که ما علم کافی از تمام این روابط نداریم و از طرف دیگر مقاصد شارع نیز متعدد است که گاه این مقاصد در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند و در مقام تشریح بعد از کسر و انکسار باید آنچه اهمیت بیشتری دارد مورد لحاظ قرار گیرد (حسنی، ۱۳۹۲ش، ۴۸-۵۱).

به‌نظر می‌رسد در جواب این نقد باید گفت اولاً: اصولاً روابط در معاملات به‌دلیل عقلایی و امضایی بودن آنها، در بسیاری از موارد، آن‌چنان هم پیچیده نیست؛ زیرا قبل از ورود شرع نیز این قواعد در جامعه عقلایی وجود داشته است و اصولاً عقلاً این اصول و قواعد را به‌وجود آورده‌اند و شارع نیز در موارد بسیاری همین قواعد و اصول را امضا کرده است، البته این روابط در تعبدیات پیچیده است و قائلین به نظریه مقاصد و حتی بسیاری از علمای اهل سنت نیز در این زمینه احتیاط کرده و در این وادی ورود پیدا نمی‌کنند (معرفت، ۱۳۶۹ش، ۳۹ و ۴۰؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۱۵۷/۳؛ حسینی، ۱۳۸۴ش، ۴۴ و ۴۵ و ۲۱؛ طوفی، ۱۹۵۴م، ۷۵؛ ملاح، ۱۴۲۲ق، ۴۸۹/۲). سید محمدحسین فضل‌الله معتقد است که ملاکات

بسیاری از احکام فقهی قابل کشف هستند. وی مشکل اساسی را در این مطلب می‌داند که در جهت تعبدی غرق شده و با فقه، معامله رمز و رازگونه و تعبد محض شود (حسینی، ۱۳۸۴، ش، ۴۴). مغنیه نیز معتقد است معاملات دارای جنبه تعبدی نیستند و مصلحت و غایت آنها قابل ادراک است؛ چراکه در معاملات، عبادت انجام نمی‌گیرد و غالباً مصلحت موجود در آنها آشکار است (مغنیه، ۱۴۲۱، ق، ۱۵۷/۳). ثانیاً: برای حل تعارض بین مقاصد شارع نیز قواعدی وجود دارد که در بسیاری از موارد به صورت قطعی می‌توان این تعارض را برطرف کرد (گرامی پور، ۱۳۹۸، ش، ۱۰۵-۱۰۶).

نتایج

- ۱- مقصود از نصوص مبین مقاصد، آیات قرآن و یا روایاتی است که مبین حکم و قانون الهی نیستند؛ بلکه اهداف کلی شریعت یا حکمت حکمی را بیان می‌کند.
- ۲- مقاصد شارع و نصوص مبین آن، نوعاً از قبیل اهداف است در حالی که نصوص مبین احکام از قبیل برنامه است. در مقام استنباط باید به سراغ برنامه‌ها رفت، البته اهداف نیز باید موردنظر بوده و بر برنامه‌ها نظارت داشته باشد؛ لذا مفاد نصوص مبین مقاصد بر مفاد نصوص مبین حکم مقدم است.
- ۳- توجه به نصوص قرآنی مبین مقاصد شارع در مواردی موجب تضییق و یا توسعه نصوص بعد از انعقاد ظهور آنها می‌شود؛ لذا در مواردی با آنکه دلیل، ظهور در عموم یا اطلاق دارد؛ اما با توجه به این مقاصد به عموم یا اطلاق تمسک نمی‌شود.
- ۴- توجه به مقاصد قرآنی مبین مقاصد شارع در مواردی موجب الغای خصوصیت از دلیل حکم و تعمیم آن می‌شود.
- ۵- اگر تعدی از مرجحات منصوصه را جایز بدانیم می‌توان موافقت با نصوص قرآنی مبین مقاصد شارع را جزء مرجحات باب تعارض دانست.
- ۶- شناخت قطعی نصوص قرآنی مبین مقاصد شارع می‌تواند به عنوان ملاکی برای ارزیابی متن و مدلول روایات قرار داده شود.

منابع

قرآن کریم

ابن ادريس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

ابن تيميه، تقى الدين. (۱۴۲۶ق). *مجموع فتاوى شيخ الإسلام ابن تيميه*. مصر: دار الوفاء.

ابن حنبل، احمد. (۱۴۱۶ق). *مسند الإمام أحمد بن حنبل*. بيروت: مؤسسه الرساله.

ابن رشد الحفيد، احمد بن محمد. (۱۴۱۵ق). *بدايه المجتهد و نهايه المقتصد*. بيروت: دارالفكر.

ابن شيه، عمر. (۱۳۹۹ق). *تاريخ المدينه*. جده: دار الفرقان.

ابن عاشور، محمد الطاهر. (۱۳۶۶ق). *مقاصد الشريعة الاسلاميه*. تونس: مكتب الاستقام.

ابن فارس، ابوالحسين احمد. (۱۴۰۴ق). *معجم مقائيس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.

علميه قم.

ابن قدامه حنبلي، عبدالله. (۱۴۲۳ق). *روضه الناظر*. بيروت: مؤسسه الريان.

ابن قيم الجوزيه، محمد بن أبي بكر. (۱۴۱۱ق). *اعلام الموقعين*. بيروت: دارالكتب العلميه.

امين القضاء. (۲۰۰۴م). *الخلفاء الراشدون*. تاريخ و احداث. جده: دارالفرقان.

انصاري، مرتضى. (۱۴۲۸ق). *فرائد الأصول*. قم: مجمع الفكر الاسلامي.

ايرواني، باقر. (۱۴۱۲ق). *دروس تمهيديه في الفقه الاستدلالي*. قم: بي نا.

بخاري، محمد بن اسماعيل. (۱۴۱۰ق). *صحيح البخاري*. مصر: لجنة إحياء كتب السنة.

جغيم، نعمان. (۱۴۳۵ق). *طرق الكشف عن مقاصد الشارع*. اردن: دار النفائس للنشر و التوزيع.

جويني، أبو المعالي عبد الملك بن عبدالله. (۱۴۱۸ق). *البرهان في اصول الفقه*. محقق. صلاح بن محمد

بن عويضة. ط ۱. بيروت: دار الكتب العلميه.

حر عاملي، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشيعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

حسینی، احمد. (۱۳۹۲ش). «بررسی و نقد دیدگاه تأثیر مقاصد شریعت بر اسناد استنباط». *فقه اهل بیت*، ش ۷۴.

حسینی شیرازی، سید علیرضا. (۱۳۹۷ش). *اعتبارسنجی احادیث شیعیه*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

حسینی، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۸ش). *مقصد‌های شریعت*. قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.

حلبی، علی بن حسن. (بی تا). *إشارة السبق إلى معرفة الحق*. قم: دفتر انتشارات اسلامی

حلی، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). *ایضاح الفوائد*. قم: موسسه اسماعیلیان.

_____ (۱۴۱۷ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: مرکز نشر التابع لمکتب الاعلام

الاسلامی.

_____ (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

خادمی، نورالدین بن مختار. (۱۴۲۱ق). *علم المقاصد الشرعیة*. ریاض: مکتبه العیبکان.

خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ق). *کتاب الطهاره*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.

_____ (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمه*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.

_____ (بی تا). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

دهلوی، ولی‌الله. (۱۴۲۶ق). *حجة الله البالغة*. بیروت: دارالجیل.

ریانی، محمدحسن. (۱۳۹۳ش). *فقه الحدیث*. قم: بوستان کتاب.

رشید رضا، محمد. (۱۳۹۳ق). *تفسیر القرآن الحکیم المنار*. بیروت: دار المعرفه.

روحانی، محمدصادق. (بی تا). *فقه الصادق*. قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق (ع).

ریسونی، احمد. (۱۹۹۱م). *نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی*. رباط: دارالامان.

_____ (۱۴۳۰ق). *محاضرات فی مقاصد الشریعه*. مصر: دارالسلام.

الزحیلی، محمد. (بی تا). *موسوعة قضايا الاسلامیة معاصره*. دمشق: دارالمکتبی.

- الزرقاء، مصطفی احمد. (۱۹۶۸م). المدخل الفقهي العام. دمشق: مطبعة الاديب.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز. (۱۴۰۴ق). المراسم العلویة و الأحكام النبویة. قم: منشورات الحرمین.
- سید مرتضی، علی بن الحسین. (۱۳۹۱ق). الانتصار. قم: منشورات الشریف الرضی.
- سیستانی، سید علی حسینی. (۱۴۱۴ق). قاعده لاضرر و لاضرار. قم: نشر مکتب آیت الله العظمی سیستانی.
- شاطبی، ابواسحاق. (۱۴۳۱ق). الموافقات. بیروت: دار المعرفة.
- الشوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). نیل الاوطار. مصر: دارالحديث.
- صدر، محمدباقر. (۱۴۱۷ق). مباحث الحجج و الاصول العملية. قم: مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامی.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. محقق. مصحح. غفاری. علی اکبر. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحكام. محقق. مصحح. موسوی خراسان. حسن. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- طوفی، نجم الدین. (۱۹۵۴م). شرح الاربعةین. چاپ شده در ضمیمه. مصطفی زید. المصلحة فی التشريع الاسلامی و نجم الدین الطوفی. قاهره: دارالفکر العربی.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۶ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. بی جا: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- _____ . (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر). قم: کتاب فروشی داوری.
- عاملی، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (بی تا). القواعد و الفوائد. قم: کتابفروشی مفید.
- عبدخدائی، بشری و همکاران. (۱۳۹۶ش). «رہیافت مقصدگرا به امر به معروف و نهی از منکر در فقه سیاسی امامیہ». نشریہ سیاست متعالیہ. قم: ش ۱۷.
- عبدالرحمان، محمود. (بی تا). معجم المصطلحات و الالفاظ الفقھیة. جلد ۱. بی جا: بی نا.

عدنان القطیفی، السید منیر السید. (۱۴۱۴ق). *الرافد فی اصول الفقه*. قم: نشر مکتب آیة الله السید السیستانی. علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۸ ش). *فقه و مصلحت*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

غزالی، محمد. (۱۴۱۳ق). *المستصفی فی علم الأصول*. بیروت. دارالکتب العلمیة. فخر رازی، محمد. (بی تا). *المحصول فی علم الاصول*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر*. قم: مؤسسه دار الهجرة. کرکی، علی بن الحسین. (۱۴۱۵ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البیت^(ع) لاحیاء التراث.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. محقق. مصحح. غفاری. علی اکبر. آخوندی. محمد. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة. گرامی پور، مهدی. (۱۳۹۸ش). «نقد و بررسی مقاصد الشریعه در فقه امامیه». پایان نامه سطح ۴. استاد راهنما. احمد مبلغی. حوزه علمیه قم. محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین. (۱۴۰۳ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. تهران: انتشارات استقلال.

مسلم، مسلم بن الحجاج. (۱۳۷۵ق). *صحیح مسلم*. تحقیق. محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۷ش). *اصول الفقه*. قم: بوستان کتاب. معرفت، محمدهادی. (۱۳۶۹ش). «واقع‌نگری در بینش فقهی امام خمینی ره». *کیهان اندیشه*. ش ۲۹. _____ . (۱۳۸۷ش). *التفسیر الأثری الجامع*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱ق). *فقه الإمام الصادق علیه السلام*. قم: مؤسسه انصاریان. _____ . (۱۴۲۱ق). *الفقه علی المذاهب الخمسة*. بیروت: دار التیار الجدید. دار الجواد.

- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *المقنعة*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- ملاح، حسین محمد. (۱۴۲۲ق). *الفتوی*. بیروت: المكتبة العمريه.
- التجار، عبدالمجید. (۱۹۹۲م). *فصول الفكر الاسلامی*. بیروت: بی نا.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۵ش). *جواهر الکلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- ویسی، محمود. (۱۳۹۷ش). «بررسی تطبیقی حیل‌های فقهی در عقود». *مطالعات تطبیقی فقه و اصول* مذ/هب. شماره اول. صص ۱۲۷-۱۳۸.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الأصول*. تقریر درس آیت الله محمدباقر صدر. بی جا: مرکز الغدیر للدراسا الاسلامیة.
- الیوبی، محمد سعد بن احمد بن مسعود. (۱۴۱۸ق). *مقاصد الشریعة الاسلامیة و علاقتها بالادلة الشرعیة*. چاپ اول. ریاض: دارالهجرة.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی